



تبلیغ عرفان اسلامی فضا را برای حضور عرفان های کاذب کمرنگ می کند

استادیار دانشگاه شهید بهشتی گفت: توضیح عرفان اسلامی ضمن اینکه تمامی طبقات جامعه را با سرمایه بزرگ عرفان اسلامی آشنا می کند، باعث می شود فضا برای حضور عرفان های کاذب کمرنگ شود.

استادیار دانشگاه شهید بهشتی گفت: توضیح عرفان اسلامی ضمن اینکه تمامی طبقات جامعه را با سرمایه بزرگ عرفان اسلامی آشنا می کند، باعث می شود فضا برای حضور عرفان های کاذب کمرنگ شود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مدتی است که فضای بسیاری از کشورهای دنیا، فضای معنویت گرایی شده و تمام اندیشمندان و حاکمان کشورها نیز به نوعی دغدغه های خاص خود را پیرامون آن دارند. حدود دو دهه ای است که بسیاری از این عرفان ها، در کشور اسلامی ایران نیز فعالیت کرده و نام های مختلفی از جمله جنبش های نوظهور دینی، عرفان های نوظهور و ... به خود گرفته اند. ما در نظام جمهوری اسلامی ایران، دین را عین سیاست و سیاست را عین دین دانسته و از طرفی دین را در تمام امور دیگر غیر سیاسی نیز دخیل می دانیم و از این رو استفاده از تعبیری چون جنبش های نوظهور دینی برای این فرقه های انحرافی، حداقل در کشور ما مناسب نیست.

هدف این نوع عرفان ها، قرب خداوند نیست و حتی برخی از آن ها منکر وجود خدا هستند و آن هایی هم که خدا را قبول داشته، آن را هدف غایی نمی دانند؛ از این رو بهترین اصطلاحی که برای این فرقه ها می توان به کار گرفت، همین عرفان های کاذب است. عرفان کاذب یعنی هر نوع عرفانی که مدعی رسیدن به حقیقت است، اما راه رسیدن به حقیقت را، خدا ندانسته و راه خود را منهای دستورات دینی می دانند. امروزه ده ها و صدها فرقه از عرفان های کاذب با ده ها هزار کتاب و دیگر ابزار رسانه ای در بسیاری از کشورها و حتی کشور اسلامی فعالیت دارند. بسیاری از ترویج دهندگان عرفان های کاذب، سعی در تأثیر گذاری بر روند اقتصادی کشور را دارند.

علاوه بر این، بسیاری از فرقه های عرفان کاذب، در صدد از بین بردن فرهنگ و اخلاق اسلامی بوده و اعتقادات مسلمانان را هدف قرار داده اند که مجموع این تهدیدها، ضرورت توجه به این نوع فرقه ها را دو چندان می کند. در گفتگو با حجت الاسلام محمدرسول ایمانی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی به بررسی معضلات عرفانهای کاذب و جلوگیری از گسترش آنها پرداختیم که اکنون متن آن پیش روی شماست.

***آقای دکتر! به نظر شما علت علاقه و رغبت مردم خصوصاً جوانان به عرفان چیست؟**

گوهر تمام عرفانهای جهانی معرفی نوعی وحدت است که تمامی کثرات، تفاوتها و تمایزهای هستی را در خود محو و هضم می کند و پس از معرفی این وحدت، عنصر مشترک دیگر، ترسیم مسیر کمال انسان به صورت راهی است که از فردیت به سمت اتحاد با کل و از کثرت به سمت وحدت حاکم بر کل هستی منتهی می شود تا جایی که در نهایت شخص سالک همچون قطره ای که به دریا می پیوندد در این وحدت یکپارچه مستغرق می شود. به نظر می رسد آنچه عرفان داعیه دار آن است گم شده حقیقی بشر و نوش دارویی برای تمامی آلامی است که بشر در این دنیا با آن دست و پنجه نرم می کند.

گرایش به عرفان را باید گرایش اصیلی در وجود انسان دانست که در میل فطری حرکت به سمت وحدت مطلق یعنی ذات پروردگار ریشه دارد

فردگرایی که ارمغان تمدن جدید برای انسان و شاخصه عصر مدرن است، خود منشأ اصلی تشویش ها، اضطراب ها و بسیاری از رذایلی است که روح معنویت طلب انسان را آزار می دهد. در مقابل خارج شدن از ورطه خود محوری و رها شدن از قیودی که هویت فردی انسان را شکل می دهد، پیوسته پیام آور آرامشی است که انسان در این دنیا در این سو و آن سو به دنبال آن است، لذا گرایش به عرفان را باید گرایش اصیلی در وجود انسان دانست که در میل فطری حرکت به سمت وحدت مطلق یعنی ذات پروردگار ریشه دارد.

***چرا بسیاری از جوانان در رویکرد به عرفان دچار اشتباه شده و در دام عرفان های نوظهور می افتند؟**

همان گونه که گفته شد گرایش به عرفان در نهاد همه انسانها وجود دارد و ذاتاً گرایش پاک و اصیل است، اما این میل

همانند دیگر امیال درونی انسان گاه در جهت یابی و یافتن متعلق اصلی خود دچار اشتباه می شود. همان گونه که در علم اخلاق اسلامی به آن تأکید می شود اساساً در وجود ما میل باطل و پستی وجود ندارد و همه گرایش ها بنا بر حکمتی و هدفی در وجود ما قرار داده شده است اما آنچه باعث انحراف اخلاقی می شود آن است که این گرایش ها در مسیر متعلق حقیقی شان هدایت نمی شوند.

خداوند در قرآن کریم اعمال انسانهایی که مقصد نهایی خود را رسیدن به ذات باری تعالی قرار نمی دهند را به انسان تشنه ای تشبیه می کند که در بیابان خشکی گرفتار شده است. وی از دور سرابی را می بیند و به شوق آب به سمت وی می دود اما وقتی به آنجا رسید پی می برد که آنچه دیده توهیمی بیش نبوده است. دویدن به دنبال مطلوب و معشوق های کاذب در دنیا حال همین فرد تشنه ایست که قرآن کریم به تصویر می کشد. متعلق حقیقی میل به سمت وحدت مطلق و اتحاد با او، ذات باری تعالی است و مسیر این سلوک نیز صراطی است که خود وی ترسیم کرده است و گرویدن به هر شبه عرفانی دیگری که مطلوب دیگری را به انسان معرفی می کند و راه دیگری را پیش پای وی می نهد، به بیراهه رفتن است. عرفانهای کاذب چه جاذبه ای برای جوانان دارد و چرا جوانان در شناخت عرفان اصیل از عرفان غیر اصیل دچار اشتباه می شوند.

هر عرفانی متشکل از دو جزء و دو ساحت است: بخشی مربوط به حیطه نظر است و معرفی حقیقت را به عهده دارد و بخشی مربوط به عمل و سلوک است، یعنی راه رسیدن به حقیقت را ترسیم می کند

هر عرفانی متشکل از دو جزء و دو ساحت است: بخشی مربوط به حیطه نظر است و معرفی حقیقت را به عهده دارد و بخشی مربوط به عمل و سلوک است، یعنی راه رسیدن به حقیقت را ترسیم می کند. بر خلاف آنچه ممکن است تصور شود، نیل به سر منزل مقصود در حوزه عرفان کار آسانی نیست و مستلزم پیمودن مسیر پر نشیب و فراز و به جان خریدن سختی های طاقت فرساست. به قول حافظ: نازپرورده تنعم نبرد راه به دوست/ عاشقی شیوه زندان بلاکش باشد، لذا در عرفان های اصیل رسیدن به مقصدی که نتیجه آن رهایی از تمامی رنجها و نیل به تمامی سرورهاست، مستلزم تحمل برخی ریاضت ها و انجام برخی اعمال سالکانه است.

به طور مثال در عرفان اسلامی شریعت و طریقت مقدمه رسیدن به حقیقت معرفی می شود و همین تقید به شریعت ممکن است برای کسانی که می خواهند یک شبه ره صد ساله را بپیمانند و بی هیچ کوشش و رنجی، گنجی وصل را به چنگ آورند، مشکل جلوه کند. طبیعتاً در این میان شبه معنویتهایی که مدعی می شوند، عرفانی را عرضه می کنند که بدون شریعت است و هیچ قید و بند اخلاقی را نیاز ندارد، می‍توانند مشتری بیشتری را به سمت خود جلب کنند.

*عرفای اسلامی به خاطر مسائل مختلفی بر مردم پوشیده هستند، آیا به نظر شما این مورد از دلایل ناآشنایی جوانان با عرفان اصیل است؟

عرفان اسلامی در طبقه نخبگان و طیف فرهیخته باقیمانده و به عموم مردم عرضه نشده است. به تعبیر دیگر عرفان اسلامی برای استفاده عموم، ساده سازی نشده است و عملاً عرصه را برای عرضه معنویت­ های نوظهور خالی کرده است

دقیقاً همین گونه است. این یک حقیقت است که عرفان اسلامی در طبقه نخبگان و طیف فرهیخته باقیمانده و به عموم مردم عرضه نشده است. به تعبیر دیگر عرفان اسلامی برای استفاده عموم، ساده سازی نشده است و عملاً عرصه را برای عرضه معنویت­ های نوظهور خالی کرده است. یک مثال ساده عرض کنم. عمل یوگا یک روش شرقی است که شیوه سلوکی بسیاری از ادیان شرقی و مهمتر از همه بودیسم و هندوئیسم را تشکیل می دهد. عنصر اصلی شیوه یوگا، مراقبه و مدیتیشن است که در نهایت اتحاد با حقیقت مطلق را برای شخص یوگی به همراه می آورد.

آرامش روانی نسبی که این عمل برای شخص به همراه می آورد باعث شده افراد زیادی که دردنیای پرهیاهوی امروزی به دنبال ساحل امنی می گردند، به این روش روی آورند و این روش جاذبه زیادی را در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای غربی ایجاد کند و ممکن است تصور شود که مراقبه از امتیازات عرفان شرقی است و دست ما در این زمینه خالی است در حالی که وقتی به اعمال عبادی اسلام نظر می کنیم، مشخص می گردد که عنصر«توجه»؛ حین عمل عبادی، شرط کمال این عبادات معرفی می شود.

به طور مثال گفته شده تنها مقداری از نماز مقبول است که با توجه خوانده شود. خالی کردن ذهن از تصورات روزانه و به

کنترل درآوردن قوه خیال که شرط توجه تام است همان چیزی است که درعمل یوگا توصیه می شود، لذا اگر کسی همین عبادات شرعی را با شرائطش به جا آورد ضمن اینکه به سعادت ابدی می رسد، آرامش ذهن را در همین دنیا تجربه می کند، اما همان گونه که به عرض رسید عرفان اسلامی ساده سازی نشده و در لابه لای کتب عرفانی و چهارچوب اصطلاحات ثقیل علمی و فنی باقی مانده است.

*عرفان هم مانند فلسفه از رشته هایی است که توصیه شده هر کسی وارد این عرصه نشود، آیا به نظر شما این فیلتر همچنان باید وجود داشته باشد؟

عرفان اسلامی با زبانی ساده و همه فهم باعث می شود ضمن اینکه تمامی طبقات جامعه با سرمایه بزرگ عرفان اسلامی آشنا شوند، انگیزه لازم برای سلوک در مسیر عرفان اسلامی نیز ایجاد شود

هر علمی دارای یک سری مبادی و مبانی تصویری و تصدیقی است که ورود به مسائل آن علم در گرو فهم آن مبانی است و الا پرداختن به آن سودی نخواهد داشت و چه بسا ممکن است موجب سوء فهم قرار گیرد. علم عرفان نیز از این قاعده مستثنی نیست. به ویژه اینکه مهمترین ابزار شناخت در عرفان شهود است که فعلیت یافتن این ابزار در گروه تهذیب نفس لذاست، لذا از قدیم توصیه می شده که هر کس بدون آمادگی و داشتن استاد وارد این عرصه نشود. چنانکه گفته شده؛ طی این مرحله به همرفتی خضر نکن/ ظلمات است بترس از خطر گمراهی. اما آنچه گفته شد مربوط به مراحل بالای سلوک است اما سیر مراتب ابتدایی و میانی سلوک عارفانه که به سکون نفس و طهارت جان می انجامد را هر کس می تواند تجربه کند و رسیدن به آن نیز پیچیده و صعب نیست، اما همان گونه که گفته شد نیل به این مراتب نیز احتیاج به دستورالعملهایی دارد که در گرو ساده سازی این دانش است.

توضیح عرفان اسلامی با زبانی ساده و همه فهم باعث می شود ضمن اینکه تمامی طبقات جامعه با سرمایه بزرگ عرفان اسلامی آشنا شوند، انگیزه لازم برای سلوک در مسیر عرفان اسلامی نیز ایجاد شود.

*عرفان های کاذب چه معایبی را برای جامعه و مردم به وجود می آورند و چه مضراتی دارند؟

شبه معنویت هایی که امروزه در رنگ ها و طرح های مختلف به جامعه جوان ما عرضه می شود و گاه آنها را با اصطلاح غیرتخصصی عرفان های کاذب می شناسیم، چشمه ای را به انسان تشنه معنویت نشان می دهند، که در واقع سرابی بیش نیست و نه تنها باعث رشد و تعالی امیال متعالی وجود انسان نمی شود بلکه چه بسا باعث بی اخلاقی و ولنگاری اخلاقی نیز می شود.

به طور مثال در یکی از همین شبه معنویت ها عمل جنسی آزاد و بدون حد و مرز راه رسیدن به عشق حقیقی معرفی می شود و همه ادیان و عرفان های اصیل جهانی به جهت توصیه به حفاظت و کنترل این میل به سخره گرفته می شود. هر کسی با مروری گذرا بر گذشته اخلاق بشری پی می برد که شهوت زنجانی به عنوان یک امر مقدس در هیچ جا توصیه نشده و پیوسته مانع کمال معرفی شده است حتی ادیان بدون خدا مانند بودیسم و جینیسم نیز این امر را مذموم می شمرند و خود بودا در دستورات پنجگانه ای که برای عموم وضع کرد، کنترل جنسی و پرهیز از هرزگی را توصیه کرد، لذا مشخص است که نمی توان تنها به وعده های دلفریب برخی از معنویت های نوظهور دلخوش کرد و از شیوه های آنها غفلت ورزید چرا که ممکن است عمل به دستورالعمل های این مکاتب انسان را به بیراهه برده و در نهایت ریشه هرگونه معنویت خواهی را در وجود انسان بخشکند.

*راه های شناخت عرفان اصیل از کاذب چیست؟

هر عرفانی از یک سری منابع و مبانی سرچشمه می گیرد و اصول و روش زنجانی ها خود را بر آن مبتنی می کند؛ و می توان گفت بیشتر عرفان های جهانی عمدتاً بر ادیان و آیین های جهانی استوارند و شناخت این عرفانها مستلزم شناخت مبانی و مبادی آن ادیان است، لذا بررسی و ارزیابی عرفان کاری کاملاً تخصصی است؛ اگرچه در حوزه عرفان نیز امروزه در بین برخی متفکرین دیدگاه پلورالیستی حاکم است و مقایسه عرفانها و ارزیابی عقلانی آنها به منظور تشخیص صحت و سقم آنها را کاری نادرست تلقی می کنند، اما نظر به اشکالات عدیده ای که بر این رویکرد وارد است، می توان مدعی بود که هنوز هم باید به دنبال عرفان اصیل گشت.

شاید یک راه برای تشخیص عرفانها، بررسی خاستگاه آنها و چهارچوب ایدئولوژیکی است که آن عرفان در بستر آن نصض گرفته اند. اگر این ملاک را مد نظر قرار دهیم آنگاه عرفان ادیان الهی و مشخصاً اسلام که از منبع وحی تغذیه می کنند،

می توانند اعتماد بیشتری را در انسان ایجاد کنند چرا که این عرفان ها مبتنی بر دریافت های وحیانی پیامبران الهی هستند که دارای عالی ترین درجه شهود عرفانی بوده اند و صحت شهودهای آنها از ناحیه خداوند تضمین شده است.